

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال چهاردهم، شماره‌ی پنجاه و ششم، تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۳-۱
(مقاله ترویجی)

بررسی هویت فرهنگی جشن در سیره معصومان (ع)^۱

محمدرضا بارانی^۲، فرزانه زمانی^۳

چکیده

آیین‌های مربوط به جشن در زندگی انسان اهمیت خاصی دارند. به ویژه، اگر این آیین‌ها جایگاه دینی داشته باشند در همبستگی و پایداری مردم نقش بزرگی دارند. به دلیل الگو بودن معصومان (ع) برای شیعیان و همچنین آمیختگی این آیین‌ها با باورهای نادرست، بررسی و شناخت آیین‌های جشن در سیره معصومان (ع) از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. این نوشتار در پی آن است که با روش گردآوری کتابخانه‌ای در منابع تاریخی و روایی و با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی هویت فرهنگی آیین‌های جشن در سیره معصومان (ع) بر پایه شاخص‌های مفهومی سه گانه شادی، آراستگی و شادباش گویی بپردازد. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد معصومان (ع) آیین‌های جشن‌ها را با اهداف دینی مانند یکتاپرستی، هم‌گرایی اجتماعی، شادمان‌سازی، انگیزه بخشی و یاری دیگران فرهنگ‌سازی می‌کردند و در این میان به آیین‌های عرفی مردم نیز توجه داشتند. توجه به برخی آیین‌ها در جشن غدیر مانند عبادت کردن، تنها در سیره نظری امام صادق (ع) و شادباش گویی، تنها در سیره عملی پیامبر (ص) را می‌توان در زمره آیین‌های جشن شیعی دانست.

واژه‌های کلیدی: جشن، سیره معصومان (ع)، هویت، هویت فرهنگی.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشجو با عنوان «جشن و سوگواری در سیره نظری و عملی معصومان (ع)» در دانشگاه الزهرا (س) می‌باشد. این مقاله به عنوان مقاله ترویجی پذیرفته شده است.

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.barani@alzahra.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. f.zamani@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

مقدمه

جشن و سوگواری دو اصل مهم در مناسبات اجتماعی و فرهنگی‌اند و مردم در شادی‌ها معمولاً آیین‌هایی برای همراه‌سازی دیگران برگزار می‌کنند. جشن‌ها در روزها و رویدادهای ویژه زندگی انسان برگزار می‌شوند که برای آن‌ها، آیین‌ها، شرایط، مبانی و اهداف خاصی در نظر می‌گیرند. آیین‌ها و آداب و رسوم هر جامعه‌ای سازنده عناصر فرهنگی آن جامعه محسوب می‌شوند و نوع و تعداد آیین‌ها و آداب و رسوم، دلیل غنای فرهنگی یک جامعه است و از این نظر حفظ این آیین‌ها یکی از راه‌های حفظ هویت فرهنگی است. هویت به معنای فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه هر فرد، قوم یا ملت به پرسش‌هایی درباره «چیستی‌شناسی و کیستی‌شناسی» خود است، به عبارت دیگر، متعلق به کدام قوم، ملت و نژاد است، خاستگاه اصلی و دائمی آن کجاست، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده، چه نقشی در توسعه جهانی داشته و امروزه صاحب چه جایگاه سیاسی-اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی است و بالاخره ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی آن تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مورد بحث کارساز خواهد بود (باوند، ۱۳۷۷: ۲۰). هویت همچون مفهوم فرهنگ، جامعه و ملت دارای خصلت زمانی و فرانسلی است؛ یعنی تداوم زمانی و نسلی دارد. از یک سو ریشه در گذشته مشترک و از سوی دیگر روبه آینده مشترک دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۱ و ۱۲). هویت یک شناسنامه است که به جای سطحی بودن، از ریشه‌ها سخن می‌گوید. (همان، ۷۲) به باور جنکینز هویت اجتماعی ویژگی همه انسان‌ها به مثابه موجود اجتماعی است و امری برساخته است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸۷). بنابراین، وابستگی به یک جامعه و گروه که دارنده اندیشه و باور خاص خود است، این هویت اجتماعی را قالب‌ریزی می‌کند. از سوی دیگر، ابزارهای فرهنگی هویت‌ساز، سبب شکل‌گیری مقوله‌های هویتی در جوامع بشری می‌شوند و یک گروه و یک فرد می‌تواند در جایگاه‌های گوناگون هویت‌های متعددی برای خود بسازد (اسماعیل شریفی، اکرم کاکاوندی، ۱۳۸۹: ۳۱ و ۳۲). پس فرهنگ و اندیشه فرهنگی نیز در ساخت هویت‌های چندگانه فرهنگی برای مردم و افراد جامعه نقشی بنیادی دارد. تاجفل به همراه ترنر در سال ۱۹۷۹م نظریه هویت اجتماعی را گسترش داد. برپایه این نظریه، یک فرد تنها یک خود شخصی ندارد بلکه

۳ | بررسی هویت فرهنگی جشن در سیره معصومان(ع)

دارای چندین خود است که بستگی به چرخه‌های وابستگی و عضویت گروهی دارد و زمینه‌های متفاوت اجتماعی شاید یک شخص را به فکر کردن، احساس کردن و عمل کردن بر مبنای رده خود شخصی، خانوادگی و ملی برانگیزاند(اردشیر آذرخش، حسن سرایی، باقر ساروخانی، ۱۳۹۵: ۱۳ و ۱۴).

بنابراین، آیین‌ها و رسوم هر ملت نیز سازنده فرهنگ و معرف هویت فرهنگی جامعه است. هویت فرهنگی به معنای جهان‌بینی، ایدئولوژی، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، اسطوره‌ها، خرافه‌ها، افسانه‌ها، انگاره‌ها، تصورات، پسندها، آیین‌ها، آداب و رسوم، سنن، مشاهیر، نمادها، دانش‌ها، فن‌آوری‌ها، خاطرات و حافظه جمعی و نقاط عطف تاریخی هر ملت است که بی‌تأثیر از عوامل ساختاری و رفتاری نیست(دهشیری، ۱۳۸۰: ۱۵۲). از این رو، مقوله جشن ارتباط تنگاتنگی با هویت فرهنگی هر جامعه دارد؛ زیرا جشن دربردارنده مجموعه‌ای از اعتقادات و باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آیین‌ها، آداب و رسوم، سنن و خاطرات است. جشن با زندگی مردم در تمامی زمینه‌های خانوادگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی پیوند دارد و مجموعه آیین‌هایی است که یک فرد در شادی‌ها، در گفتار و رفتارشان انجام می‌دهد و نماد هویت فرهنگی جامعه او دانسته می‌شود که از یک سو این آیین‌ها منحصر به انجام کارهای تشریفاتی خاصی نیستند و از سوی دیگر، در انجام آن‌ها منطق و معیار خاصی وجود دارد.

بهترین الگوها برای زندگی فردی و اجتماعی شیعیان را می‌توان در سیره معصومان(ع) جستجو کرد. جشن در سیره معصومان(ع)، دربردارنده بخشی از زندگانی و سیره اجتماعی آنان از هنگام بعثت پیامبر(ص) تا غیبت کبری در سال ۳۲۹ق است. در این دوران، پیامبر(ص) و برخی از معصومان(ع) در میدان‌های مذهبی، اجتماعی و سیاسی حضور پررنگ‌تر و برخی معصومان نیز به دلایلی حضور کم‌رنگ‌تری داشته‌اند. معصومان(ع) در زمینه‌های خانوادگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی آدابی را برای برگزاری جشن توصیه می‌کردند و بر برخی رفتارها تأکید داشتند و از برخی دوری می‌کردند. دستیابی به معیار و منطق آنان در برگزاری جشن‌ها می‌تواند در زندگی امروزه الگوی خوبی باشد. جشن در سیره معصومان(ع) گاهی در ساده‌ترین شکل خود برگزار می‌شد و حتی دربرگیرنده لحظات شاد بدون انجام تشریفات و تجملات خاصی بود.

این پژوهش بر آن است تا با استناد به منابع اولیه از سده اول تا پایان سده هشتم هجری، منطق و معیارهای معصومان(ع) را در برگزاری آیین‌های جشن در سیره نظری و عملی آنان بررسی کند و با بیان آیین‌های جشن معصومان(ع) الگوی مناسبی برای عملکرد بهتر و متناسب با هویت فرهنگی شیعیان در دوران کنونی فراهم آورد. در این پژوهش بیشتر از منابع پنج سده نخست استفاده شده است، اما به دلیل اشاره اندک این منابع به جشن‌های معصومان(ع)، منابع تا پایان سده هشتم قمری نیز بررسی شدند. همچنین در این پژوهش گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و ارزیابی گزارش‌های تاریخی و روایی با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام خواهد شد.

پرسش‌های این پژوهش آن است که شاخص‌های هویت فرهنگی جشن در سیره معصومان(ع) چه بوده است؟ و جشن‌های خانوادگی، مذهبی و سیاسی معصومان(ع) بر چه منطقی استوار بوده است؟ همچنین فرضیه پژوهش این است که شاخص‌های هویتی فرهنگ جشن در سیره معصومان(ع)؛ از یک سو پیوند گسترده‌ای با باورهای اسلامی مانند یاد خدا دارد و از سوی دیگر با اندیشه امامت و جایگاه معصومان(ع) پیوند دارد و سبک زیست اسلامی و شیعی در جشن‌های آنان استوار بوده است.

درباره پیشینه پژوهش گفتنی است که آثاری درباره جشن در سیره معصومان(ع) وجود دارد. کتاب «شادی و آرامش از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه» از محمد بیستونی که در آن بیشتر در مورد مفهوم شادی و نشاط و رسیدن به آرامش از منظر اسلام بحث شده و در بخش پایانی به شادی و نشاط در سیره معصومان(ع) و نمونه‌هایی از شادی‌های آنان و عوامل داشتن شادی و نشاط در سیره نظری معصومان(ع) اشاره شده است. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازشناخت سیره معصومان(ع) در ابراز شادی» از ابراهیم اثباتی به جشن‌ها و شادی‌های معصومان(ع) تنها در حوزه جشن‌های مذهبی پرداخته است و اهمیت هر یک از جشن‌ها و سیره نظری و عملی معصومان(ع) را در آن‌ها آورده است. پایان‌نامه «مجالس جشن و سوگواری اولیا الهی از دیدگاه قرآن و سنت» از عاقل حسین که در بخش نخست آن جشن و شادی را از منظر قرآن و روایات و سیره متشرعه بررسی کرده است و شادی‌ها را به دو بخش ممدوح و مذموم تقسیم و آن را آسیب‌شناسی کرده است، اما به جشن و شادی در سیره نظری و عملی

معصومان(ع) اشاره‌ای نشده است. همچنین پژوهش «جشن میلاد و سیره معصومان(ع) در شادی‌ها» از دیگر پیشینه‌های پژوهش کنونی است. در این مقاله مهم‌ترین آیین‌های جشن و شادی در سیره معصومان(ع) بررسی شده و به اهمیت جشن ولادت امام مهدی(ع) پرداخته شده است. این مقاله جشن‌های مذهبی را با رویکرد ترویجی از دیدگاه معصومان(ع) گزارش کرده است و به بررسی تاریخی منابع کهن و مقایسه گزارش‌ها با هم پرداخته و جشن‌ها و شادی‌ها در سیره معصومان(ع) را در دسته جشن‌های خانوادگی و سیاسی بررسی نکرده است. بنابراین، پژوهش کنونی در زمینه هویت فرهنگی جشن‌ها در زندگانی و سیره نظری و عملی معصومان(ع) پژوهشی نو است. با بررسی گزارش‌های منابع تاریخی و روایی می‌توان سه‌گونه جشن خانوادگی، مذهبی و سیاسی در زندگی معصومان(ع) نام برد. بررسی و مقایسه گزارش‌ها در این دسته‌بندی سه‌گانه می‌تواند شاخص‌ها و معیارهای معصومان(ع) را در هر دسته روشن و نظام‌الگوی هویت فرهنگی جشن در سیره آنان را آشکار کند.

۱. جشن‌های خانوادگی

جشن خانوادگی به جشن‌هایی گفته می‌شود که به خانواده، بدون در نظر گرفتن جایگاه اجتماعی ارتباط دارد. مانند پیوند زناشویی و زاده شدن فرزندان که هرکدام با آیین‌های ویژه‌ای برگزار می‌شده‌اند و نشان‌دهنده هویت فرهنگی خانواده است. آیین‌های زیر در این‌گونه جشن‌ها در سیره معصومان(ع) گزارش شده است.

۱.۱. آیین‌های جشن پیوند زناشویی

پیوند زناشویی در زندگی تمامی مردمان جایگاه ویژه‌ای داشت و همراهی خاندان و آشنایان به پاسداشت این شادی بود. در سیره معصومان(ع) نیز پیوند زناشویی همراه با آیین‌هایی نظیر سنت ولیمه دادن برگزار می‌شد. چنانچه پیامبر(ص) در ازدواج با ام‌حبیبه مردم را اطعام کرد و این کار را سنت پیامبران دانست(کلینی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۷/۵) و در ازدواج با صفیه (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق: ۸۹/۲) و میمونه نیز چنین کرد(همان، ۸۲/۸). این آیین در ازدواج امام علی(ع) با فاطمه(س) نیز انجام شد(همان، ۱۷/۸) برپایی جشن

شادی خانوادگی و پیوند آن با مردم و یاری نیازمندان نمود داشت. امامان(ع) به پیروان خود سفارش می‌کردند در روز عروسی ولیمه دهند؛ چنانچه امام صادق(ع) فرمود: «نیافتم رایحه هیچ طعامی را همچون طعام عروسی؛ زیرا زمانی که در عروسی گاو یا گوسفندی ذبح می‌کنند، خداوند فرشته‌ای همراه با مشک بهشتی می‌فرستد تا در طعام عروسی بریزد.» (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۲/۶)

از دیگر آیین‌ها در جشن پیوند زناشویی، قربانی کردن گاو یا گوسفند بود. چنانچه پیامبر(ص) در عروسی با زینب دختر جحش چنین کرد(ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۸۲/۸). امام علی(ع) در ازدواج با فاطمه(س) نیز گوسفندی قربانی کردند(طبری صغیر، ۱۴۱۳ق: ۹۵) و امام صادق(ع) نیز قربانی کردن گاو یا گوسفند در جشن ازدواج را به شیعیان سفارش کردند(کلینی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۲/۶) که نوعی کمک به مردم و به‌ویژه نیازمندان بود. آیین هدیه دادن در جشن عروسی نیز از دیگر آداب پسندیده‌ای بود که در سیره معصومان(ع) وجود داشت و هدف از آن خرسند کردن و انگیزه بخشیدن به دیگران بود. پیامبر(ص) در ازدواج با ام سلمه به‌هریک از همسران خویش یک وقیه مشک داد و مانده آن و حله‌ای را به ام سلمه هدیه کرد(ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۷۵/۸). این آیین در سیره امام علی(ع) (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۳۴۸/۱). امام حسن(ع) نیز در جشن ازدواج با دختر طلحه، برای عروس جامه‌ای گرانبها و زیورآلات فرستاد و پس از آن به دیدار او رفت(ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۲۹۲/۵).

آراستگی و زینت دادن عروس و داماد از دیگر آیین‌های جشن ازدواج در سیره معصومان(ع) بود. این آراستگی با آرایش و پیرایش صورت، استفاده از بوی خوش، پوشش رنگی و شاد، خضاب کردن موها، دست‌ها و پاها همراه می‌شد. پیامبر(ص) خضاب موی سر و محاسن را برای مردان و خضاب موی سر و دست و پا را به زنان سفارش می‌کرد(صدوق، ۱۴۲۴ق: ۱۲۲/۱) و سودمندی خضاب را خوشبویی و زینت می‌دانست(کلینی، ۱۴۱۱ق: ۵۶۷/۵). روایت‌هایی از آراستن صفیه (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۹۶/۸) و جونیه (یعقوبی، بی‌تا: ۸۵/۲) در جشن ازدواج با پیامبر(ص) وجود دارد. همچنین ابوخلد کابلی گوید نزد امام سجاد(ع) رفتم، ایشان را در اتاقی با فرش قرمز دیدم و لباس‌های رنگارنگی برتن داشت و فردای آن روز دوباره نزد ایشان رفتم و

فرمود: «تازه عروسی کردم، آن منظره‌ای که تو دیروز دیدی برای عروسی بود که مخالفت با آن را دوست نداشتم.» (مسعودی، ۱۴۳۶ق: ۱۷۵) پوشش امام باقر(ع) با لباس زرد در روز ازدواج (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۴۴۷/۶) نیز نشانگر اهمیت آراستگی عروس و داماد در جشن عروسی در سیره معصومان(ع) است که می‌توان گفت نوعی همراهی کردن با شادی دیگران و اهمیت دادن به آن از سوی ایشان بود.

گفتن شادباش و تبریک برای جشن ازدواج برای خرسند کردن و امید و انگیزه دادن به دیگران و همدلی در شادی‌هایشان، از دیگر آیین‌ها در سیره معصومان(ع) بوده است. پس از مراسم زناشویی امام علی(ع) و فاطمه(س)، مسلمانان دسته دسته نزد پیامبر(ص) و امام علی(ع) آمدند و شادباش گفتند (طبری صغیر، ۱۴۱۳ق: ۹۱). درباره ازدواج امام جواد(ع) با دختر مأمون نیز روایت شده است که فردای عروسی، گروه‌های مردم برای شادباش‌گویی نزد امام جواد(ع) و مأمون آمدند (مفید، ۱۴۲۶ق: ۲۸۹/۲).

۱.۲. آیین‌های جشن تولد

جشن‌های تولد نیز از جمله جشن‌های خانوادگی بودند که در سیره معصومان(ع) با آداب خاص برگزار می‌شدند. پذیرایی کردن و اطعام مردم به‌خصوص نیازمندان در تولدها در سیره معصومان(ع) بسیار سفارش شده است که می‌توان هدف مهم آن را کمک به نیازمندان و سیر کردن گرسنگان و شاد کردن آنان دانست. امام کاظم(ع) فرمود: «پیامبر(ص) ولادت نوزادان را یکی از مواردی دانستند که باید در آن ولیمه داد.» (صدوق، ۱۴۲۴ق: ۵۵/۱) ایشان همچنین پس از تولد امام حسن(ع) و امام حسین(ع) از گوشت گوسفند عقیقه شده، خوراکی تهیه و همسایگان و نیازمندان را از آن اطعام کردند (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۳۳/۶). پذیرایی مردم از سوی امام صادق(ع) پس از تولد فرزندش امام کاظم(ع) نیز دیده شده است و ابوبصیر روایت کرده است: «ایشان برای ما سفره چاشت انداخت و شیوه او بود که چون به اصحابش مهمانی می‌داد، فراوان و خوب آماده می‌کرد.» (همان، ۳۸۵/۱)

آیین قربانی کردن یا عقیقه نیز از آیین‌هایی بود که پس از تولد نوزاد در سیره معصومان(ع) بسیار سفارش شده و با هدف یاری نیازمندان و خرسند کردن دیگران انجام می‌شد. چنانچه پیامبر(ص) پس از ولادت امام حسن(ع) و امام حسین(ع) عقیقه

کرد (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱/۴۲۰). امام علی (ع) نیز در جمع یاران، بر عقیقه کردن در هفتمین روز از تولد نوزادان سفارش کردند (صدوق، ۱۴۲۴ق: ۲/۶۱۹). همچنین روایت شده است امام باقر (ع) پس از تولد فرزندشان قربانی و مردم را از آن اطعام کردند (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۶/۲۵).

از دیگر آیین‌های جشن تولد در سیره معصومان (ع)، بخشش و صدقه دادن به نیازمندان بود که برای کمک‌رسانی، شاد کردن و انگیزه بخشیدن به آنان انجام می‌شد. روایت شده است پیامبر (ص) در هفتمین روز پس از تولد ابراهیم، موهایش را تراشیدند و هم وزن آن نقره به بینوایان دادند و همچنین سلمی قابله ماریه خبر تولد را به همسرش ابورافع داد و او نیز مژده تولد ابراهیم را به پیامبر (ص) داد و پیامبر (ص) بنده‌ای به او بخشید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۰۷). امامان (ع) نیز بر این سفارش فراوان داشتند. از امام صادق (ع) روایت شده است: «در روز هفتم از ولادت نوزاد برایش عقیقه کنید و سرش را بتراشید و هم‌وزن موهایش طلا یا نقره صدقه بدهید و پا و لگن عقیقه را به قابله‌اش ببخشید.» (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۶/۲۸)

آیین کام برداشتن یا تحنیک نوزاد نیز در سیره معصومان (ع) مرسوم بود. این رسم معمولاً با خرما انجام می‌شد و پیامبر (ص) نخست بر خرما دعا می‌خواندند و سپس آن را می‌جویدند و در دهان نوزاد می‌گذاشتند و پس از آن برای نوزاد دعا می‌کردند (الخرگوشی، ۱۳۶۱: ۴/۵۲۸). روایت شده است پیامبر (ص)، کام امام علی (ع) را پس از تولد در منزل ابوطالب برداشتند (مسعودی، ۱۴۳۶ق: ۱۳۸) پیامبر (ص) پس از تولد امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نیز چنین کردند (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۶/۲۴). گزارش شده است امام کاظم (ع) پس از تولد امام رضا (ع)، آب فرات خواستند و کام نوزاد را با آب فرات برداشتند (صدوق، ۱۳۷۸ق: ۱/۲۰). آشکار است که آیین تحنیک تا دوران امام حسین (ع) با خرما انجام می‌شد، اما پس از شهادت امام حسین (ع) با آب فرات یا تربت امام حسین (ع) (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۶/۲۴) نیز انجام می‌گرفت. به نظر می‌رسد انجام سنت تحنیک برای ذکر یاد و نام خدا و دعا کردن به پیشگاه او و متبرک کردن کام نوزاد از سوی معصومان (ع) بود که سبب ایجاد شادی در خانواده و اطرافیان نیز می‌شد. این آیین بین مردم رواج داشته و نمی‌توان آن را سنتی شیعی دانست.

همچنین در سیره معصومان(ع)، مرسوم بود پس از تولد نوزاد، در گوش وی اذان بگویند و با انجام این کار در واقع پروردگار را یاد می‌کرده‌اند. روایت شده است پیامبر(ص) پس از تولد امام حسن(ع) در گوش او اذان گفت و یا در گوش امام حسن(ع) نماز خواند(ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۲۲۸/۵). همچنین امام حسین(ع) در گوش طفلی که در کربلا برای ایشان متولد شد اذان گفت(یعقوبی، بی‌تا: ۲۴۵/۲) و امام کاظم(ع) نیز پس از ولادت امام رضا(ع)، در گوش راست وی اذان و گوش چپش اقامه گفت(صدوق، ۱۳۷۸ق: ۲۰/۱). در واقع، آیین اذان گفتن به نوعی تکرار نام و یاد خداوند در گوش نوزاد تازه تولد یافته بوده است.

آیین آراستن و زینت دادن نوزاد که به رسم همراهی با شادی خانواده و خویشان بود، در سیره معصومان(ع) گزارش شده است. چنانچه نوزاد را در پارچه‌های سفید یا زعفرانی می‌پوشاندند و بر سر نوزاد زعفران می‌مالیدند و نوزاد را با زعفران زیبا و معطر می‌ساخته‌اند. روایت شده است پس از تولد امام حسن(ع)، اسماء وی را در پارچه زردی پیچید و نزد پیامبر(ص) برد و پس از تولد امام حسین(ع)، وی را در پارچه سفیدی پیچید و نزد پیامبر(ص) برد(صدوق، ۱۳۷۸ق: ۲۵/۲) و پیامبر(ص) در هفتمین روز تولدشان، موهایشان را تراشید و سرشان را با گرد زعفران ملون و رنگی نمود(ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۲۵/۲).

از دیگر آیین‌هایی که در جشن‌های تولد در سیره معصومان(ع) دیده می‌شد شادباش‌گویی برای ابراز شادی و ایجاد همدلی و همراهی با دیگران بود. پیامبر(ص) پس از تولد نوزادان به پدر و مادر نوزاد تبریک می‌گفت(الخرگوشی، ۱۳۶۱: ۵۲۸/۴). همچنین پس از تولد امام حسین(ع)، جابر بن عبدالله انصاری برای گفتن شادباش به خانه امام علی(ع) نزد فاطمه(س) آمد(کلینی، ۱۴۱۱ق: ۵۲۷/۱). این سنت گاهی با گفتن اشعاری در وصف آن اتفاق خوشایند نیز انجام می‌شد، چنانچه پس از ولادت امام سجاد(ع)، ابوالاسود دوئلی درباره تولد و جایگاه ایشان، اشعاری سرود(همان، ۴۶۷/۱). نیز در سیره امام کاظم(ع) است که پس از ولادت امام رضا(ع) بر همسرشان نجمه وارد شد و فرمود: «نجمه این کرامت الهی که به تو داده شده، بر تو فرخنده باد.»(صدوق، ۱۳۷۸ق: ۲۰/۱)

۲. جشن‌های مذهبی

جشن‌های مذهبی در سیره معصومان(ع) مانند جشن‌های فطر، قربان، غدیر و روزهای جمعه بود و هریک آیین‌هایی برای شادی داشتند و انجام برخی رفتارها از سوی معصومان(ع) سفارش شده است.

۲.۱. آیین‌های جشن فطر

جشن فطر از جشن‌های مذهبی در پایان ماه رمضان است. براساس سیره نظری و عملی معصومان(ع)، جشن فطر با آداب خاص خود برگزار می‌شد و عبادت پروردگار از این آیین‌ها بود. معصومان(ع) در جشن فطر ابتدا به عبادت پروردگار می‌پرداختند و برای نزدیکی به پروردگار، آفرینش و مبدأ را یاد می‌کردند. روایت شده است پیامبر(ص) روز جشن فطر در نمازگاه، پیش از آنکه خطبه بخواند نماز می‌گزارد(نمیری، ۱۴۱۰ق: ۱۳۹/۱). امام علی(ع) نیز هنگامی که برای جشن فطر به نمازگاه رفت در خطبه خود مردم را به بیرون آمدن از خانه و رفتن به نمازگاه در جشن فطر سفارش کرد(صدوق، بی تا: ۱۰۰). همچنین این سنت در سیره امام صادق(ع) نیز گزارش شده است: «شب عید فطر هنگامی که سه رکعت نماز مغرب را خواندید، دست‌ها را بالا ببرید و دعای ویژه آن شب را بخوانید.»(کلینی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۷/۴).

از دیگر آیین‌هایی که در سیره معصومان(ع) در جشن فطر دیده می‌شد تکبیر و تحلیل با هدف یاد کردن خداوند بود. چنانچه آمده امام صادق(ع) فرمود: «شب و صبح فطر تکبیر بگوئید، همان‌گونه که در دهم ذی‌الحجه نیز تکبیر می‌گوئید.»(همان، همانجا). همچنین هنگامی که امام رضا(ع) می‌خواست برای خواندن نماز فطر از خانه بیرون بیاید، فرمود: «بر من است همچنان که پیامبر(ص) و علی(ع) برای نماز بیرون می‌شدند، عزیمت کنم.» و چون از خانه بیرون آمد پس از اندکی راه رفتن، سر به طرف آسمان بلند کرد و تکبیر گفت و غلامان ایشان هم پیروی کرده و تکبیر گفتند. سپس صدای خود را بلند کرد و شهر مرو یکپارچه به گفتن تکبیر ناله سر دادند(مفید، ۱۴۲۶ق: ۲۶۵/۲). این روایت از امام رضا(ع) گویای آیین تکبیر گفتن و اهمیت آن از سوی معصومان(ع) است و امام رضا(ع)، آن را به پیروی از پیامبر(ص) و امام علی(ع) انجام دادند.

انفاق و بخشش نیز از جمله رسومی بود که در جشن فطر در سیره معصومان(ع) وجود داشته است. در جشن فطر این آیین با بخشیدن مالی به نیازمندان در قالب فطریه انجام می‌شد که هدف از آن، یاری کردن نیازمندان و شادی بخشیدن به ایشان و همچنین دادن امید و انگیزه در نیازمندان بود. امام صادق(ع) فرمود: «هر کسی روزه خود را به گفتار شایسته یا کردار شایسته پایان دهد، خدا روزه‌اش را می‌پذیرد. به او گفته شد: گفتار و کردار شایسته چیست؟ گفت: شهادت به یگانگی خدا و کردار شایسته، دادن فطره است.»(صدوق، بی تا: ۵۶) همچنین از امام رضا(ع) درباره اعمال روز فطر پرسیده شد که ایشان فرمود: «روز فطر، روز پرداخت زکات و بخشش به نیازمندان است.»(صدوق، ۱۳۷۸ق: ۱۱۵/۲).

از دیگر آیین‌های جشن فطر در سیره معصومان(ع)، ایجاد تازگی و تنوع شادی آور در زندگی بود که در حقیقت برای متفاوت کردن آن روز از دیگر روزها بوده است. پیامبر(ص) در روز فطر پیاده از راهی به مصلی می‌آمد و از راه دیگری بازمی‌گشت (نمیری، ۱۴۱۰ق: ۱۳۶/۱) همچنین برای امام سجاد(ع)، در جشن فطر و قربان در کاسه‌های بزرگ شربت آمیخته با کشمش بدون دردی فراهم می‌آوردند تا ایشان از آن بنوشند(ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۶۸/۵). از امام رضا(ع) نیز روایت شده است که «روز جشن فطر، روز اجتماع مسلمانان و روز افطار است و روز خوردن و آشامیدن نیز هست.»(صدوق، ۱۳۷۸ق: ۱۱۵/۲) که اشاره به ایجاد تنوع و دگرگونی با دوره هم جمع شدن، خوردن و آشامیدن برای شاد کردن اطرافیان و همراه شدن با شادی آنان دارد.

سنت آراستن و زینت دادن نیز در سیره معصومان(ع) در جشن فطر گزارش شده است. این آراستن به معنی داشتن پوشش ویژه، طهارت و پاکیزگی و زدن عطر و روغن بود که با هدف شادی بخشیدن به خویشان و دوستان و همراهی کردن با شادی آنان انجام می‌شد. پیامبر(ص) در جشن‌های فطر و قربان پوششی ویژه داشت که تنها مختص جشن‌های مذهبی بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۹۲/۱) و چوب‌دستی مخصوصی نیز در جشن‌های فطر و قربان به همراه داشت(همان، ۱۷۷/۲) همچنین از امام حسن(ع) نیز در مورد آراستگی در جشن فطر روایت شده است: «تحفه مرد روزه‌دار این است که ریش خود را روغن بزند و لباسش را معطر کند و تحفه زن روزه‌دار این است که

سرش را شانه زند و لباسش را معطر سازد.» (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق: ۵۱۰/۲). طهارت و پاکیزگی در جشن فطر نیز در سیره معصومان (ع) سفارش شده است. امام صادق (ع) بر وجوب غسل جشن فطر سفارش می‌فرمود (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۷/۴) و امام رضا (ع) نیز در صبح روز فطر غسل می‌نمود (مفید، ۱۴۲۶ق: ۲۶۶/۲) و خود را معطر می‌کرد (صدوق، ۱۴۲۴ق: ۱۷۹/۲) و به گفته خودشان به پیروی از پیامبر (ص) و امام علی (ع) با پوششی ویژه (مفید، ۱۴۲۶ق: ۲۶۶/۲) و عصایی مخصوص به نمازگاه می‌رفت (صدوق، ۱۳۷۸ق: ۱۵۱/۲).

۲.۲. آیین‌های جشن قربان

جشن قربان از دیگر جشن‌های مذهبی است که در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همه ساله در دهم ماه ذی‌الحجه و در پایان مراسم حج تمتع برگزار می‌شود. این جشن نیز در سیره معصومان (ع) با آیین‌هایی مانند عبادت کردن و دعا و نیایش به درگاه پروردگار و ذکر نام و یاد او همراه بود. پیامبر (ص) در روز جشن قربان نخست در مصلی نماز می‌خواند و پس از آن خطبه می‌خواندند (نمیری، ۱۴۱۰ق: ۱۳۹/۱). امام صادق (ع) نیز فرمود: «امام علی (ع) در چهار شب از نفسش فارغ بود و مشغول عبادت پروردگار بود، اول شبی از ماه رجب، شب جشن قربان، شب جشن فطر و شب نیمه شعبان» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۴۶).

از دیگر آیین‌های جشن قربان، قربانی کردن بود. پیامبر (ص) در سال دوم هجرت نخستین جشن قربان را که مسلمانان دیده بودند، برپا داشت و پس از ادای نماز، دو گوسفند و به قولی یک گوسفند قربانی کرد (مسعودی، بی‌تا: ۲۰۷) و فرمود: پروردگارا این قربانی را از سوی همه امت خود که به یگانگی تو در رسالت من گواهی داده‌اند، انجام دادم. آنگاه گوسفند دیگری را آوردند و آن را هم به دست خود قربانی کرد و فرمود: پروردگارا این قربانی از سوی محمد و خانواده اوست (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۹۲/۱). همچنین، یکی از اصحاب امام هادی (ع) نیز روایت کرده است: «من برای ابوالحسن (ع) گوسفند بسیاری خریدم، مرا خواست و از مهار بند منزلش به جای وسیعی برد که آن را نمی‌دانستم و نمی‌شناختم و طبق دستور گوسفندها را به هر که

فرموده بود، پخش کردم و از آن‌ها برای ابی‌جعفر، پسر بزرگش و مادرش و برای جز آن‌ها که دستور داده بود، فرستاد و این کار در شب جشن قربان بود.» (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۴۹۸/۱). این سنت نیک تنها با هدف بخشش به نیازمندان و ایجاد امید و شادی در دل آنان توسط معصومان(ع) انجام می‌گرفت.

در جشن قربان، آراستن و زینت دادن نیز در سیره معصومان(ع) مرسوم بود که نوعی اظهار شادی محسوب می‌شد. این آراستن شامل داشتن پوشش ویژه، داشتن عصا، طهارت و پاکیزگی، عطر و روغن زدن و اصلاح موها و ناخن‌ها بود. چنانچه پیامبر(ص) برای جشن قربان، موی شارب (سبیل) و دو گونه را کوتاه فرمود، ناخن گرفت و دستور فرمود موها و ناخن‌هایش را دفن کنند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۳۲/۲). ایشان برای جشن قربان عطر استفاده می‌کرد (همان، همانجا) و پوشش ویژه و ارزنده برتن می‌کرد. (همان، ۳۴۸/۱) و عصای مخصوصی به همراه داشت (یعقوبی، بی تا: ۴۷/۲). امام رضا(ع) فرمود: «غسل در دو جشن فطر و قربان سنت و مستحب هستند.» (صدوق، ۱۳۷۸ق: ۱۲۳/۲).

۳،۲. آیین‌های جشن غدیر

جشن غدیر از جشن‌های مهم شیعیان است که در هجدهم ذی‌الحجه و منسوب به انتصاب امام علی(ع) در سیمتِ جانشین پس از پیامبر(ص) است. از آیین‌های مهم در جشن غدیر در سیره معصومان(ع)، عبادت کردن بود که با هدف یاد نام آفریننده هستی بخش و حمد او انجام می‌گرفت. امام صادق(ع) فرمود: «بر شماست که آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری و ستایش خداوند روزه بگیرید، همان‌گونه که پیامبران اوصیا خود را امر می‌کرده‌اند که در آن روز که وصیتی نصب می‌شود، روزه‌دار باشند و آن روز را جشن بگیرند.» (صدوق، ۱۴۲۴ق: ۲۶۴/۱؛ حسانی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۳/۱). همچنین از امام صادق(ع) روایت شده است: «روز غدیر، بهترین جشن‌هاست و آن روز هجدهم ذی‌الحجه است که روز جمعه بوده و قائم ما اهل بیت روز جمعه ظهور می‌کند و قیامت نیز روز جمعه برپا می‌شود و در چنین روزی، هیچ عملی با فضیلت‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.» (صدوق، ۱۴۲۴ق: ۹۴/۲)

سنت شادباش‌گویی و تبریک در جشن غدیر نیز مرسوم بود. چنانچه در روز غدیر، پس از انتصاب امام علی(ع)، پیامبر(ص) به مسلمانان فرمان داد دسته‌دسته بر علی(ع) وارد شوند و به وی شادباش گویند و به عنوان امیرالمؤمنین به او سلام کنند(مفید، ۱۴۲۶ق: ۱/۱۷۷) و گفته شده است در روز غدیر، حسان بن ثابت از پیامبر(ص) اجازه گرفت و در جایی بلند قرار گرفت و در وصف آن اتفاق میمون و مبارک سروده‌ای خواند(مفید، ۱۴۲۶ق: ۱/۱۷۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱/۲۶۲). در واقع، می‌توان گفت هدف از آن نوعی خرسند کردن و همراه شدن با دیگران در شادی‌هایشان بوده است.

۴.۲. آیین‌های روز جمعه

جمعه‌ها در اسلام و سیره معصومان(ع) جشن و روزی مبارک محسوب می‌شد و روایت‌های بسیاری در فضیلت روز جمعه از معصومان(ع) آمده است. عبادت از آیین‌های روز جمعه است. معصومان(ع) روزهای جمعه بیش از دیگر روزها عبادت می‌کردند و نماز جمعه به جای می‌آوردند که با هدف یاد پروردگار بوده است. از امام باقر(ع) روایت شده است: «همانا خداوند از این جمعه تا آن جمعه سی و پنج نماز واجب کرده است و از میان آن‌ها یک نماز را به صورت جماعت واجب کرده و آن نماز جمعه است.»(صدوق، ۱۴۲۴ق: ۲/۴۲۲) از امام صادق(ع) در اهمیت انجام عبادت در روز جمعه آمده است: «همانا برای جمعه حقی است، پس در آن خدا را عبادت کنید و به عمل صالح تقرب جویند و روز جمعه محرمات را ترک کنید و حسنات را به‌طور مضاعف انجام دهید و از بدی‌ها دوری کنید تا مرتبه‌تان نزد خداوند بالا برود.»(کلینی، ۱۴۱۱ق: ۳/۴۱۴).

از دیگر آداب معصومان(ع) در روزهای جمعه، ایجاد تازگی و تنوع شادی‌بخش در زندگی بود. پیامبر(ص) می‌فرمود: «به خانواده خود در هر روز جمعه چیزی از میوه و گوشت بدهید تا آنان به آمدن جمعه خرسند باشند.»(صدوق، ۱۴۲۴ق: ۲/۳۹۱) گفته شده است ورود ایشان به خانه و خروج از خانه به قصد سفر، در روزهای جمعه بوده است(صدوق، ۱۴۲۴ق: ۲/۳۹۱). آمده است امام علی(ع) در روز جمعه برای خود جامه‌ای از کرباس خرید(ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۹۷). ایجاد چنین تحولاتی با هدف دگرگونی بخشیدن به روزهای جمعه و ایجاد نشاط و شادی در بین اعضای خانواده و

دوستان، توسط معصومان(ع) بوده است.

از دیگر آیین‌های مورد سفارش معصومان(ع) در روزهای جمعه، اهتمام به آراستگی با هدف ایجاد شادی و نشاط بود. آراستگی شامل داشتن پوشش ویژه، طهارت و پاکیزگی، عطر زدن و اصلاح مو و ناخن بود. چنانچه پیامبر(ص) بر تطهیر در روزهای جمعه و غسل جمعه سفارش می‌کرد(حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۱۷) و می‌فرمود: «در جشن جمعه، غسل کنید تا پاک شوید»(ابن اثیر، ۱۴۱۵ق: ۶۵۹/۱). گفته شده است ایشان در جشن‌ها و روزهای جمعه حله و برد سرخ رنگی می‌پوشید(ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۹۲/۱) درباره‌ی اهتمام به آراستگی و طهارت در روزهای جمعه از امام صادق(ع) نیز روایت شده است: «روزهای جمعه برای نظافت کردن و عطر زدن است و آن جشن مسلمانان و افضل از جشن فطر و قربان است»(صدوق، ۱۴۲۴ق: ۳۹۴/۲) ایشان، گرفتن ناخن و اصلاح موهای سر در روز جمعه و استعمال عطر را سبب افزایش روزی و امان از بیماری می‌دانست(دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۲۶۳).

۳. جشن‌های سیاسی

برخی جشن‌ها جنبه‌ی سیاسی و نظامی داشتند که هنگام پیروزی‌های مسلمانان در جنگ‌ها و در برابر دشمنان و یا هنگام بیعت مردم با معصومان(ع) برگزار می‌شدند که نمونه‌هایی در گزارش‌های تاریخی آمده است.

۳.۱. آیین‌های پیروزی در جنگ‌ها و در برابر دشمنان

شادی هنگام پیروزی در جنگ‌ها و در برابر دشمنان از جشن‌های دیگر بود که گزارش شده است و آیین‌هایی داشت مانند ستایش پروردگار که با هدف یاد خدا، آفرینش و مبدأ انجام می‌شد. معصومان(ع) پس از پیروزی‌های سیاسی به ستایش پروردگار می‌پرداختند. پیامبر(ص) پس از فتح مکه، درحالی‌که سوار بر ناقه خود بود، سوره «آنا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» را با حالت ترجیع و صوت خوش تلاوت فرمود(ترمذی، بی‌تا: ۱۸۲). همچنین روایت شده است امام علی(ع) نیز پس از پیروزی در جنگ جمل، حمد پروردگار را به جای آورد و فرمود: «خدای متعال دارای رحمت واسعه است و همواره گناهکاران را می‌آمرزد و بسیاری از سرکشان را عفو می‌کند و گناهکاران را عذاب کند

و از حکومت خود بیم دهد و از بلای خود بچشاند و باید بدانید پس از آن که درب هدایت بر روی مردم گشوده شد و پرده از حقیقت برداشته شد، دیگر ضلالت و گمراهی معنایی ندارد.» (مفید، ۱۴۲۶ق: ۲۵۸/۱)

از دیگر آیین‌هایی مرسوم به هنگام پیروزی گفتن تکبیر و یاد کردن پروردگار بود. پیامبر (ص) پس از محاصره طائف به دست امام علی (ع)، پس از دیدن ایشان از این پیروزی خرسند شد و تکبیر گفت (مفید، ۱۴۲۶ق: ۱۵۳/۱) و پس از کشته شدن نوفل بن خویلد از سران قریش به دست امام علی (ع) خرسند شد و تکبیر گفت (واقعی، ۱۴۰۹ق: ۹۲/۱). این مسئله در جنگ احزاب نیز پس از کشته شدن عمر بن عبدود گزارش شده است (مفید، ۱۴۲۶ق: ۱۰۳/۱).

همچنین دادن شعارهای دربردارنده نام و یاد پروردگار نیز در پیروزی‌ها مرسوم بود. در جنگ بنوقریظه چون مسلمانان پیروز شدند، پرچم پیروزی «أَنْصَرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتَحُ قَرِيبٌ»^۱ را بر فراز قلعه‌های یهودیان برافراشتند (همان، ۱۱۱/۱). گفته شده در روزگار پیامبر (ص) پیش از آنکه فرمان اذان برسد، معمولاً منادی پیامبر (ص) ندا می‌داد «الصلاة جامعة» و چون اذان معمول شد، این شعار برای اعلان فتح و پیروزی به کار می‌رفت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۸۹/۱).

از دیگر آیین‌های پیروزی در جنگ‌ها، شادباش‌گویی بود که برای ابراز همدلی و همراهی با یاران، در شادی‌ها، توسط معصومان (ع) صورت می‌گرفت. روایت شده است پس از قتل ابن‌الاشرف یهودی، پیامبر (ص) به مسلمانان فرمود: چهره‌های شما شاد باد. آن‌ها نیز گفتند: و چهره تو ای پیامبر (واقعی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۰/۱).

برای شادباش‌گویی در چنین مواقعی، شعر نیز می‌سرودند، چنانچه در جنگ خیبر چون قلعه خیبر فتح شد و مرحب کشته شد، حسان بن ثابت از پیامبر (ص) اجازه خواست تا شعری بسراید و پیامبر (ص) اجازه فرمود و حسان اشعاری در وصف این اتفاق مبارک سرود (مفید، ۱۴۲۶ق: ۱۲۹/۱). این مسئله در کشته شدن عصما دختر مروان که سبب آزار پیامبر (ص) بود، نیز دیده شد که حسان بن ثابت در وصف آن پیروزی و برای شادی مسلمانان اشعاری سروده است (واقعی، ۱۴۰۹ق: ۱۷۴/۱).

۱. یاری خداوند و پیروزی نزدیک است (سوره صف/ ۱۳)

۳,۲. آیین‌های بیعت با معصومان(ع)

در سیره معصومان(ع) گزارش‌هایی مربوط به بیعت با ایشان وجود دارد که پیروزی و جشن سیاسی محسوب می‌شد. این بیعت همراه با آیین‌هایی بود. یکی از آن‌ها آیین هدیه دادن بود که نوعی ایجاد شادی و بخشیدن امید و انگیزه به دیگران در قبال کاری نیک است. پیامبر(ص) به نمایندگان قبایلی که برای پذیرش اسلام می‌آمدند، سکه یا نقره یا چیزهای دیگر پاداش می‌داد(ابن سعد، ۱۰: ۴۱۰ق: ۲۲۷/۱). در روز بیعت با امام رضا(ع) نیز بین کسانی که برای بیعت می‌آمدند، بدره‌های زر به‌عنوان جایزه پخش می‌شد(مفید، ۲۶۲/۲: ۴۲۶ق: ۲۶۲/۲).

از دیگر آیین‌های بیعت، پذیرایی از بیعت‌کنندگان بود که برای خرسند کردن و کمک به نیازمندان آنان انجام می‌گرفت که می‌توان به پذیرایی پیامبر(ص) از نمایندگان قبایلی که برای بیعت می‌آمدند، اشاره کرد(ابن سعد، ۱۰: ۴۱۰ق: ۲۲۷/۱). این سنت در دوران خلافت امام علی(ع) نیز در مورد بیعت‌کنندگانی که از یمن نزد امام علی(ع) آمدند، دیده شده بود و روایت شده است امام علی(ع)، مالک اشتر را به پیشواز آنان فرستاد و با مهمان‌نوازی تمام از آن‌ها پذیرایی کرد (ابن اعثم، ۱۱: ۴۱۱ق: ۴۴۰/۲).

آراستگی ظاهری و داشتن پوشش ارزنده توسط معصومان(ع) از دیگر آیین‌های بیعت بود که با هدف ایجاد شادی و روزی متفاوت انجام می‌شد. پیامبر(ص) هنگام ملاقات با نمایندگان قبایل پوششی ارزنده و فاخر می‌پوشید(ابن سعد، ۱۰: ۴۱۰ق: ۳۵۵/۱) و روایت شده است: «هرگاه نمایندگان قبایل نزد پیامبر(ص) می‌آمدند، ایشان بهترین پوشش خود را می‌پوشیدند و به بزرگان یاران خود نیز دستور می‌دادند که چنان کنند.» (ابن سعد، ۱۰: ۴۱۰ق: ۲۵۸/۴). همچنین روایتی از پوشش امام رضا(ع) هنگام بیعت در دست است که: «روز بیعت با امام رضا(ع)، امام با پوشش سبز، عمامه و شمشیر حمایل کرده، بر روی تشک نشسته و همه برای بیعت نزد ایشان می‌آمدند.» (مفید، ۲۶۲/۲: ۴۲۶ق: ۲۶۲/۲).

خواندن شعر و سرود از دیگر آیین‌های مرسوم در بیعت با معصومان(ع) بود. گفته شده است که مردم مدینه در آستانه ورود پیامبر(ص) به مدینه از خانه‌ها بیرون آمدند و سرودهای شادی خواندند و به شادی پرداختند و زنان و کودکان این شعر را

می خواندند: «طلع البدر علینا ... من ثنیات الوداع، و جب الشکر علینا ... ما دعا لله داع» (دمشقی، ۱۴۰۷ق: ۱۹۷/۳) و مردم مدینه دف نیز می زدند و شعر می خواندند (مقریزی، بی تا: ۱۱۷/۱) و به شادی آمدن پیامبر (ص) هنگام خواندن این اشعار، شادی و پایکوبی می کردند (نویری، ۱۴۲۳ق: ۶۹/۴) که سکوت و همراهی پیامبر (ص) می تواند نشانه پذیرش این آیین و همراهی با شادی دیگران باشد.

نتیجه گیری

در این نوشتار آیین های جشن براساس گزارش های منابع به سه دسته کلی خانوادگی، مذهبی و سیاسی دسته بندی شدند. در بررسی گزارش های سیره معصومان (ع) درباره جشن و آیین های جشن ها چنین نتیجه گرفته شد که معصومان (ع) درباره جشن های خانوادگی مانند جشن ازدواج به آیین هایی مانند پذیرایی کردن، قربانی کردن، هدیه دادن، آراستگی و پوشش رنگی و شاد و شادباش گویی توجه داشتند. همچنین در جشن زاده شدن فرزندان نیز آیین هایی مانند پذیرایی، قربانی یا عقیقه کردن و بخشش آن به نیازمندان، کام برداشتن، اذان گفتن و یاد نام خدا، شادباش گویی به همراه یاد خدا در سیره نظری و عملی معصومان (ع) دیده شده است. بنابراین، در جشن های خانوادگی یاد خدا، یاری نیازمندان، همراهی با شادی دیگران و در پایان شادسازی دیگران معیار در سبک زندگی اسلامی بوده است.

گزارش های منابع درباره جشن های مذهبی نیز نشان می دهند که در جشن فطر آیین هایی مانند عبادت کردن، تکبیر گفتن، ایجاد تازگی و تنوع شادی بخش در زندگی، آراستگی و بخشش به نیازمندان مورد توجه معصومان (ع) بود و در جشن قربان عبادت کردن، تکبیر گفتن، قربانی کردن و آراستگی، و در جشن غدیر عبادت و شادباش گویی ثبت شده است. همچنین در روز جمعه آیین های عبادت، ایجاد تازگی و تنوع شادی بخش در زندگی و آراستگی در سیره نظری و عملی معصومان (ع) صورت می گرفت و معصومان (ع) به آن ها سفارش می کردند. در این گونه جشن ها یاد خدا، یاری نیازمندان، همراهی با شادی دیگران و در پایان شادسازی دیگران معیار سبک زندگی اسلامی بوده است.

درباره جشن‌های سیاسی نیز گفتنی است آیین‌های پیروزی در برابر دشمن مانند عبادت کردن، تکبیر گفتن، شعار دادن و شادباش‌گویی بود و آیین‌های بیعت با معصوم(ع) شامل هدیه دادن، پذیرایی کردن، خواندن شعر و سرود و آراستگی گزارش شده است. بنابراین، در اینجا نیز یاد خدا، انگیزه‌بخشی به مسلمانان، یاری‌نیازمندان، همراهی با شادی دیگران و شادسازی دیگران معیار سبک زندگی اسلامی بوده است. نتیجه کلی از جشن‌ها در سیره معصومان(ع) چنین است که در گام نخست یاد خدا و آفرینش و مبدأ، و در گام دوم؛ یاری‌نیازمندان، و در گام سوم همراهی با شادی دیگران، شادسازی دیگران و در گام چهارم انگیزه‌بخشی به دیگران معیار سبک زندگی اسلامی بوده است و دستاورد تمامی این آیین‌ها سرزندگی اجتماعی بود تا مردم مانند یک پیکر با آفریدگار پیوند داشته باشند و در کنار هم و با یاری هم به شادمانی و پیشرفت برسند. بنابراین، هویت فرهنگی جشن‌ها در سیره معصومان(ع)، برپایه آیین‌های عرفی و اجتماعی بود و به باورهای بنیادی دینی نیز توجه کامل می‌شد و هیچ‌گونه شاخص و آیینی در جدایی بین آنان با مردم و گرایش‌های مختلف مذهبی گزارش نشده است.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۵ق)، *اسدالغایة فی معرفة الصحابة*، محقق علی محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن اعثم، احمد (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، محقق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، محقق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن شبه نمیری، ابوزید (۱۴۱۰ق)، *تاریخ المدینة المنورة*، محقق فهیم محمد شلتوت، قم: دارالفکر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم*، مصحح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن کثیر، دمشق (۱۴۰۷ق)، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، محقق سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
- آذرخش، اردشیر، حسن سرایی، باقر ساروخانی، (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه هویت اجتماعی در گزینش نوع گروه مرجع دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه»، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره دوم، تابستان.
- ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا)، *شمائل المحمدیه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۱۰ق)، *الغارات*، قم: دارالکتاب.
- جنگینز، ریچارد، (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله نیشابوری (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، قم: مؤسسه الطبخ و النشر.
- خرگوشی، ابوسعید (۱۳۶۱)، *شرف المصطفی*، محقق محمد روشن، تهران: بابک.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام الاحیاء التراث.
- روشه، گی (۱۳۸۸ ش)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شریفی، اسماعیل، اکرم کاکاوندی، (۱۳۸۹)، «رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با هویت جوانان»، *دو فصلنامه تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره چهارم، بهار و تابستان.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبارالرضا*، مصحح سید مهدی حسینی لاجوردی. تهران: انتشارات جهان.

----- (۱۳۹۵ق)، *فضائل الاشهر الثلاثة*، محقق میرزاغلامرضا عرفانیان، قم: دارالکتب الاسلامیه.

----- (بی تا)، *الامالی الصدوق*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.

----- (۱۴۲۴ق)، *النخصال*، مصحح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشرالاسلامی

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم: مؤسسة آل البيت.

طبری صغیر، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامة*، قم: مؤسسة البعثة.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق)، *الکافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *هویت ملی و جهانی شدن*، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان*، تهران: نشر نی.

مسعودی، علی بن حسین (بی تا)، *التنبیه و الاشراف*، مصحح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دارالصاوی.

----- (۱۴۳۶ق)، *اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب*، قم: انصاریان.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۲۶ق)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: محبین.

مقریزی، تقی‌الدین (بی تا)، *امتاع الاسما بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

میرمحمدی، داود (۱۳۸۳)، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی (وابسته به مؤسسه مطالعات ملی).

نویری، احمد بن عبدالوهاب (۱۴۲۳ق)، *نهایه الارب فی فنون الادب*؛ قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، محقق مارسدن جونس، بیروت: مؤسسة الاعلمی.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.

هرمیداس باوند، داود (۱۳۷۷ش)، «*چالش‌های برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ*»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۲۹ و ۱۳۰.

میرمحمدی، داود (۱۳۸۳ش)، *مقدمه گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

اکبری، محمود (۱۳۸۲ش)، «*جشن میلاد و سیره معصومان(ع) در شادی‌ها*»، *مجله انتظار*، شماره ۸ و ۹.

Transliteration

- Akbari, Mahmoud (1382), "Celebration of the birthday and life of the innocents (AS) in joy", *Entezar magazine*, numbers 8 and 9.
- Azaraksh, Ardeshir, Hasan Saraei, Bagher Sarokhani, (2015), "Sociological analysis of the social identity relationship in the selection of the reference group of Razi University Kermanshah students", *Sociological Research Journal*, 10th year, 2nd issue, summer.
- Deylamī, Hassan b. Moḥammad (1408 AH), *A'lām ul-Dīn fī šifāt ul-Mo'menīn*, Qom: Āl-ul-Bayt Institute, peace be upon him.
- Erbeli, 'Alī b. 'Īsa (1381 AH), *Kašf ul-Gomma*, Edited by Seyed Hashem Rasouli Mahalati, Tabriz: Banī Hāšemī.
- Giddens, Anthony (2007), *Sociology*, Translated by Hasan Chavoshian, Tehran: Ney Publishing.
- Golmohammadi, Ahmed (2011), National identity and globalization, Tehran: Ney Publishing.
- Hākīm Ḥasekānī, 'Obaīdullāh b. 'Abdullah Neīšābūrī (1411 AH), *Šawahīd ul-Tanzīl Lī Qawa'īd ul-Tafzīl*, Qom: Al-Ṭabḵ wa Al-Našr Institute.
- Hermidas Bavand, Davoud (1377), "Overseas challenges and Iranian identity throughout history", *Journal of political-economic information*, numbers 129 and 130.
- Ibn Aṭam, Aḥmad (1411 AH), *Al-Fotūh*, Edited by Ali Shiri. Beirut: Dār ul-Azwa'.
- Ibn Aṭīr, 'Izz ul-Dīn (1415 AH), *Osdol Gābah fī Ma'rīfat ul-šaḥābah*, Edited by Ali Mohammad Moavaz and Adel Ahmad Abdul Mojood, Beirut: Dār ul-Ketāb al-'Elmīya.
- Ibn Kaṭīr (1407 AH), *Al-Bīdāya wa al-Nahāya*, Beirut: Dār ul-Fīkr.
- Ibn Sa'd, Moḥammad (1410 AH), *Ṭabaqāt ul-Kobra*, Mohammad Abd ul-Qadir Atta, Beirut: Dār ul-Ketāb al-'Elmīya.
- Ibn šobeh Ḥarrānī, Hasan b. 'Alī (1404 AH), *Toḥaf ul-'Oqūl 'An Al-Rasūl*, Edited by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Al-Našr ul-Islamī.
- Ibn šobeh Nomayrī, Abū Zayd (1410 AH), *Tārīk-e al-Madīnat ul-Monawara*, Edited by Fahim Mohammad Shaltut, Qom: Dār ul-Fīkr.
- Jenkins, Richard, (1381), *Social Identity*, translated by Toraj Yarahamdi, Tehran: Shiraz.
- ḵargūšī, Abū Sa'eed (1361), *šaraf ul-Moštafa*, Edited by Mohammad Roshan, Tehran: Bābak.
- Koleīnī, Moḥammad b.Ya'qūb (1411 AH), *Al-Kāfī*, Beirut: Dār ul-Ta'ārīf Līl Maṭbū'āt.
- Maqrīzī, Taqīuddīn (n.d), *Īmta' al-Asma'*, Beirut: Dār ul-Kītab ul-'Elmīya.
- Mas'ūdī, 'Alī b. Ḥosseīn (1436 AH), *Eṭbāt ul-Vašīya Līl Īmām 'Alī b. Abī Ṭālīb*, Qom: Ansariyan.
- Mas'ūdī, 'Alī b. Ḥosseīn (Beta), *Al-Tanbīh wa Al-Ašraf*, Edited by Abdullah Ismail Al-Sawi. Cairo: Dār ul-šawī.
- Mirmohammadi, Davood (1383), *Speeches about national identity in Iran*, Tehran: Irani Civilization Publications (affiliated with National Studies Institute).
- Mirmohammadi, Davoud (1383), *Introduction to speeches about national identity in Iran*, Tehran: Institute of National Studies, Iranian Civilization.
- Mofīd, Moḥammad b. No'mān (1426 AH), *Al-Eršād fī Ma'rīfat ul-Hoja'ullāh 'Alal 'Ibād*, Qom: Mohebeen.
- Nūwayrī, Aḥmad b. 'Abd ul-Wahhāb (1423 AH), *Nihāyat ul-Arab fī Fonūn ul-Adab*, Cairo: Dār ul-Kītab wa al-Wiṭā'iq ul-Qūmīya.

- Rocher, Guy (2008), *Introduction a la sociologie generale*, translated by Homa Zanjanzadeh, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (Samt).
- şadoūq, Moḥammad b. ‘Alī (1378 AH), *‘Oyūn Akbār ul-Rizā*, Corrected by Seyyed Mehdi Hosseini Lajevardi. Tehran: Jahān Publications.
- şadoūq, Moḥammad b. ‘Alī (1395 AH), *Faẓa‘il ul-Ašhar ul-Ṭalata*, Edited by Mirzaghohamreza Erfanian, Qom: Dār ul-Kītab ul-Islamīya.
- şadoūq, Moḥammad b. ‘Alī (1424 AH), *Al-kīṣāl*, Edited by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Al-Naşr ul-Islamī Institute
- şadoūq, Moḥammad b. ‘Alī (beta), *Al-Amālī al-şadoūq*, Beirut: Al-A‘lamī Institute.
- Sharifi, Esmail, Akram Kakavandi, (2009), “THE RELATIONSHIP BETWEEN FAMILY'S SOCIAL CAPITAL AND YOUTH IDENTITY”, two specialized quarterly journals *Research on youth, culture and society*, number 4, spring and summer.
- Ṭabarī şaġīr, Moḥammad b. ĵarīr (1413 AH), *Dalā‘ī ul-Īmamah*, Qom: Al Ba‘ta Institute.
- Ṭabarsī, Faẓl b. Ḥasan (1417 AH), *E‘lām ul- warā bī A‘lām ul-Hodā*, Qom: Āl ul-Bayt Institute.
- Ṭaqafī, Ibrahim b. Moḥammad (1410 AH), *Al Ġārāt*, Qom: Dār ul-Kītab.
- Tirmīzī, Moḥammad b. ‘Īsa (n.d), *şama‘il ul- Moḥammadīyya*, Beirut: Dār ul-Aḥīya ul-Taraṭ ul-‘Arabī.
- Wāqīdī, Moḥammad b. ‘Omar (1409 AH), *Al-Maġāzī*, researcher Marsden Jones. Beirut: Al-‘Elmī Institute.
- Yaḳoūbī, Aḥmad b. Īshāq (beta), *Tārīk-e Yaḳoūbī*, Beirut: Dār şādīr.